

حکیدہ درس نم ہویت اجتماعی دوازدم رستہ راضی و تجویبی
«در بعد سیاسی ہویت ایران»

- ہر جامعہ علاوہ برہویت فرهنگی از ہویت سیاسی نیز برخوردار است۔

- **تعریف قدرت:** موجودی کہ بتواند کاری را با آگاہی و ارادہ خود انجام دهد دارای قدرت است۔ قدرت فردی انسان محدود است۔

- **تعریف قدرت اجتماعی:** قدرت اجتماعی هنگامی پدیدار می شود کہ انسان برای رسیدن بہ اهداف خود بتواند بر ارادہ دیگران تأثیر بگذارد و کار ارادی دیگران را بہ خدمت بگیرد۔

- کسانی کہ توان تأثیرگذاری بیشتری بر ارادہ دیگران دارند، از قدرت اجتماعی بیشتری برخوردارند۔ علاوہ بر افراد، بہاها سازمان ها و جوامع نیز دارای قدرت اجتماعی هستند۔

- **قدرت مقبول:** قدرتی کہ بدون استفاہ از تہدید و با رضایت طرف مقابل بہ دست می آید دارای مقبولیت است۔

- **قدرت مشروع:** هنگامی بہ دست می آید کہ قدرت مطابق قانون و حکم الہی باشد۔

- **تعریف اقتدار:** قدرتی کہ با مقبولیت همراه باشد و بہ صورت رسمی پذیرفته شدہ باشد، اقتدار نامیدہ می شود۔

- تہا راہ تأثیر گذاردن بر ارادہ دیگران و بہ خدمت گرفتن فعالیت ارادی انسان **جلب تبعیت** آنہاست۔

- جلب تبعیت دیگران بہ دو صورت ممکن است:

تبعیت با گراہت: تبعیتی است کہ ناشی از تہدید و ترس باشد۔

تبعیت با رضایت: تبعیتی است کہ با رضایت و میل درونی همراه است۔

- اگر قدرت مطابق قانون و حکم الہی باشد و تبعیت از آن نیز با رضایت و میل همراه باشد قدرت ہم **مشروعیت حقیقی** دارد و ہم **مقبولیت اجتماعی**۔

- هنگامی کہ قدرت برخلاف حکم و قانون الہی باشد اما تبعیت از آن، از روی رضایت باشد قدرتی **مقبول**

ولی **غیر مشروع** شکل می گیرد۔

- هنگامی کہ سلطہ بہ شیوہ فرهنگی اعمال شود بیشتر مورد رضایت و پذیرش قرار می گیرد، جامعہ سنا سان از این نوع سلطہ بہ **ہژمونی** تعبیر می کنند۔

- **سلطہ ہژمونیک:** از شیوہ ها و ابزارهای فرهنگی مانند ہژمونی برای مہندسی رضایت عمومی و توجیہ برتری جوی خود استفادہ می کنند۔

سیاست: اعمال قدرت سازمان یافته برای دستیابی به هدفی معین است. سیاست در معنای عام شامل هر نوع تدبیر و سازمان دادن قدرت است.

- هر جامعه به تناسب **هویت و فرهنگ** خود، آرمان‌ها و ارزش‌های ویژه‌ای دارد و نمی‌تواند بدون سیاستی مناسب به ارزش‌ها و آرمان‌های خود دست یابد.

- مجموعه سازوکارهایی که برای اعمال سیاست‌های جامعه وجود دارد **نظام سیاسی** را شکل می‌دهد.

- **رابطه متقابل نظام سیاسی و نظام فرهنگی:** نظام فرهنگی عقاید، ارزش‌ها و اصول حاکم بر نظام سیاسی را تأمین می‌کند. نظام سیاسی نیز اگر به ارزش‌های فرهنگی جامعه وفادار بماند، با استفاده از مدیریت سیاسی خود به بسط و توسعه فرهنگ کمک می‌کند. و اگر از ارزش‌ها و آرمان‌های جامعه دور شود زمینه بحران‌های فرهنگی و هویتی را فراهم می‌سازد.

- **تقسیم‌بندی نظام‌های سیاسی:**

- الف - بر اساس تعداد افراد تأثیرگذار و تصمیم‌گیرنده:
 - ۱- نظام‌هایی که در آنها یک فرد حاکم است و تصمیم می‌گیرد.
 - ۲- نظام‌هایی که در آنها آملتی تصمیم‌گیرنده هستند.
 - ۳- نظام‌هایی که در آنها اکثریت مردم در سرنویست سیاسی خورند.
- ب - بر اساس روش تصمیم‌گیری:
 - ۱- نظام‌هایی که در آنها حاکم یا حاکمان بر اساس اهداف و امیال خود تصمیم می‌گیرند.
 - ۲- نظام‌هایی که حاکم یا حاکمان بر اساس حقیقت و فضیلت و با توجه به موازن عقلی تصمیم می‌گیرند.
- ج - بر اساس دین‌مداری یا دنیامداری.

- **تعریف دموکراسی از نظر ارسطو:** حاکمیت اکثریت در صورتی که بر مدار خواسته‌های آنها باشند.

- **تعریف جمهوری از نظر ارسطو:** حکومتی که در آن اکثریت مردم بر اساس حقیقت و فضیلت حضور دارند.

- **تعریف مدرن فاضله از نظر فارابی:** جامعه‌ای است که بر اساس قوانین الهی شکل می‌گیرد.

- **تعریف جوامع جاهله از نظر فارابی:** جوامعی که آرمان‌ها و ارزش‌های الهی و عقلانی نباشند.

- **لیبرال دموکراسی:** لیبرالسم به معنای مباح دانستن همه امور برای انسان‌هاست. دموکراسی به معنای حاکمیت مردم است.

لیبرال دموکراسی ادعای کند باخواست و اراده اکثریت مردم سازمان می‌یابد و حکومتی دنیوی و این جهانی است. این نظام سیاسی با فرهنگ جدید غرب که رویکردی دنیوی به عالم هستی دارد، سازگار است.

- **جمهوری اسلامی:** یا مردم سالاری دینی. عنوان جمهوری به معنای به رسمیت شناختن حضور مؤثر مردم در نظام سیاسی است و کلمه اسلامی نشان دهنده این است که فعالیت‌ها بر اساس عقاید و ارزش‌های اسلامی سازمان پیدا می‌کنند.

- **ارزش‌های اجتماعی اسلام:** عبودیت، عدالت، استقلال، تأمین اجتماعی، آزادی، امنیت و ...